

رابطه انسان و طبیعت در باغ ایرانی از منظر معماری اسلامی

جمال الدین مهدی نژاد^۱، اسماعیل زرغامی^۲، سیده اشرف سادات^۳

چکیده

با اندک نگاهی به آثار هنری ایرانیان و تأملی کوتاه در آن‌ها درمی‌یابیم که سرچشمه تمامی هنرهای ایرانی برگرفته از تجسم عینی اندیشه مردمانی است که تلاش کرده‌اند جهان بینی خود را در قالب آن هنریبان کنند. طبیعت دستاورد معمار هستی، خداوندگار عالم است و اغلب برای معماران سرچشمه الهام بوده است. به دلیل گرایش ذاتی و فطری انسان‌ها در تعامل با طبیعت و تأثیرات قابل توجه ارتباط با طبیعت در روح و جسم آدمی، بشر همواره به دنبال ایجاد رابطه‌ای منطقی و مناسب میان فضای درون و طبیعت بیرون بوده است. امروزه نیاز جسمی و روحی انسان به برقراری ارتباط با طبیعت موجب گردیده که در همه جوامع، طبیعت به مثابه میراث فرهنگی تلقی شود؛ از این رو باغ ایرانی به عنوان نمونه متعالی از منظر ایران، تصویر باورهای انسان ایرانی. اسلامی در بطن تاریخ است که علی‌رغم ناملایمات، همچنان به عنوان الگویی موفق از آن یاد می‌شود. باغ در مقام برخوردگاه آدمیان و اندیشه‌هایشان و به عنوان میعادگاه زمین و آسمان و نقطه تلاقی عملکرد و پندار، بهترین جای تجربه عرفانی است. هدف اصلی پژوهش حاضر توجه به ارتباط انسان با طبیعت، عناصر طبیعی و تشخیص جایگاه باغ ایرانی در نوع برخورد انسان با طبیعت است. روش پژوهش ضمن مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و مطالعات تطبیقی از نوع توصیفی است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ارتباط با طبیعت ضروری‌ترین شرط برای هنرمند است. هنرمند انسان است؛ او خود طبیعت است، بخشی از طبیعت و در میان فضای طبیعی، طبیعت در بسیاری از راهبردهای منتهی به خلاقیت معماری تأثیر می‌گذارد. طبیعت همیشه در همه جا حاضر و طبقه بندی ناپذیر و به مثابه ابزاری بسیار قدرتمند برای الهام بخشی است. حضور آن در استعاره، تقلید، تغییرپذیری فرم و مصالح معماری آشکار است.

واژه‌های کلیدی: باغ ایرانی، تعامل انسان با طبیعت، طبیعت، هندسه و طبیعت.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۱۷

۲۷

شماره ۵-۱
بهار ۱۳۹۴
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

رابطه انسان و طبیعت در باغ ایرانی
از منظر معماری اسلامی

۱ استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسول) j_mahdinejad@yahoo.com

۲ دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، تهران، ایران. es_zarghami@yahoo.com

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، تهران، ایران. sadat_memari@hotmail.com

مقدمه

بشر در طول تاریخ از هنگامی که سرپناه، مسکن، محیط زیست، محل کار و یا هر نوع فضایی را ساخته و مورد بهره‌برداری قرار داده، همیشه عوامل طبیعی در این ساختار اصل مهم و اساسی برای او بوده‌اند. و کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، به باغ‌های بهشتی وارد می‌کنند. باغ‌هایی که نهرها از پای درختانش جاری است، به اذن پروردگارشان، جاودانه در آن می‌مانند و تحت آن‌ها در آن «سلام» است (Holy Quran, Sura Ebrahim, verse 23). محیط شامل طبیعت، فرهنگ و انسان هست که در سامان‌های با ارتباطات متداخل قرار گرفته‌اند (Bell, 2007, 90).

آندرو برنان نیز در خصوص رابطه انسان با محیط، عقیده انسان‌گرایی اکولوژیکی را بسط داده و معتقد است از آنجا که ما بخشی از طبیعت هستیم، برای آنکه به انسان کاملی تبدیل شویم، باید با آن تماس داشته باشیم. او هویت ما را با طبیعت مرتبط دانسته و آن را اولین‌گام به سوی اخلاقیات محیطی معرفی می‌کند و معتقد است که اخلاقیات و زیبایی‌شناسی همانند حقیقت و زیبایی به هم مرتبط هستند و منطقی نیست که منافع مستقیم تماس خود را با طبیعت تشخیص دهیم ولی به آن اهمیتی ندهیم، یعنی کاری که هم‌اکنون انجام می‌دهیم (Bell, 2007, 119).

هرملت بر اساس جهان‌بینی خویش برای طبیعت ارزش و جایگاهی خاص قائل بوده و ارتباطش را با طبیعت و عناصر طبیعی بر پایه اصول و ارزش‌های منبعث از جهان‌بینی خود شکل داده است. به این ترتیب شناسایی جایگاه عناصر طبیعی در اعتقادات و فرهنگ هر جامعه از اهمیتی بالا برخوردار است و هرچه شناخت و درک مفهومی مردم جامعه نسبت به طبیعت و عناصر طبیعی بیشتر و عمیق‌تر باشد، این جایگاه ارزشمندتر خواهد بود. به تبعیت از جهان‌بینی دیرینه و فرهنگ ایرانی-اسلامی ایرانیان، رابطه مردم این سرزمین با طبیعت و عناصر طبیعی، رابطه‌ای بر اساس احترام به طبیعت و همزیستی با آن است. این تفکر زمین را ملک خدا می‌داند (Eliade, 1987, 111)، در این فرهنگ، عناصر طبیعی مانند آب و گیاه به عنوان آیه و نشانه الهی محسوب می‌شوند و از چنان اهمیتی برخوردارند که نام این دو عنصر بارها در متون اسلامی تکرار شده است. زیباترین ترکیب مادی آب و گیاه در هنر باغ‌سازی ایرانی نمایان می‌شود. هنر باغ‌سازی یکی از کهن‌ترین هنرهای ایرانیان است که دارای سنت‌های ارزشمند و قدرتی معنوی است (Hobhouse,

31, 2004) که در آن، عناصر آب و گیاه با سه جنبه مفهومی، کارکردی و زیباشناختی حضور می‌یابند. جنبه مفهومی از دو مقوله تفاسیر قرآن کریم و دیدگاه عرفا و شاعران قابل بررسی است، علاوه بر این هر عنصری که در باغ ایرانی قرار می‌گرفت، اعم از آب و درختان و گل‌ها، کارکردی ویژه داشت و برای هدفی مشخص تعبیه شده بود و همچنین سعی می‌شد تا طراحی به‌گونه‌ای صورت گیرد که اجزای آن حدامکان زیبا بوده و اجزای باغ به‌گونه‌ای تغییر می‌یافت که رعایت زیباشناسی آن‌ها در نظر گرفته شود. باغ ایرانی در مفهوم وسیع خود فرآورده هنر زیستن است و در ایجاد رابطه میان انسان و طبیعت و در نظام هستی ره‌آورد تمدن پرمایه ایران زمین است. تمدنی که در زمینه محیط زیست، دستاوردهای ممتازی را ارائه داده است. نظام باغ ایرانی، تنوع و اندازه‌های گوناگون آن از کوچک‌ترین حیاط خانه تا بزرگ‌ترین چهارباغ شهری و باغ‌شهر را دربرمی‌گیرد. ایرانی‌ها از دیرباز به ساختن باغ‌ها و باغچه در حیاط‌ها و دورو بر بناها علاقه خاصی داشته‌اند. شاید خاطره میهن اصلی و خاستگاه قوم آریا منشأ این علاقه بوده است. بشر در طول تاریخ در دامان طبیعت زیسته و با همزیستی در کنار آن متحول و متکامل شده است. کیفیت محیط‌های طبیعی نه تنها به سلامتی و تندرستی افراد محدود نمی‌شود، بلکه تأمین‌کننده نیازهای روحی و روانی آن‌ها، زمینه‌ساز تکامل و پیشرفت، شکل‌گیری هویت و استخراج تجارب گوناگون محیطی همچون تفریح و سرگرمی، شادابی و سرزندگی، ترمیم و بازیابی ذهن نیز می‌شود. در مقابل نبود آن نگرانی، عصبانیت، ناتوانی، ترس، وحشت و بدبینی را به همراه خواهد داشت. بشر در راستای سلامت روانی خود، نیاز خاصی به بودن در نزدیکی طبیعت و ارتباط با آن در فرم‌های مختلف دارد. احیای سنت دیرینه باغ‌سازی مقبول جامعه است، در نتیجه دستیابی به شناختی درست از آن ضرورت دارد. ساخت و پرداخت باغ ایرانی تداوم تاریخی داشته و امری نیست که در گذشته‌های دور مختوم شده باشد. کم‌رنگ شدن حضور باغ ایرانی در دوران معاصر اتفاق افتاده ولی خاطره جمعی آن در ذهن ایرانی هنوز زنده است (Amani, 20014, 47-44). شولتز یکی از بدفهمی‌های دوران مدرن در مورد محیط و بومگاه را خلاصه شدن در دنیای صرف به هوا، نور و فضای سبز عنوان می‌کند (Norberg, 2009, 279). به علاوه همین تفکر متجدد، به شیوه‌هایی که در هیچ تمدن دیگری نمونه ندارد، قوانین طبیعت را از قوانین اخلاق و اخلاق بشر را از عملکردهای عالم، جدا ساخته و به‌گونه‌ای تأثیرات این جدایی نمود پیدا کرده است. به نظر می‌رسد به قول «نصر» در کتاب دین و نظم

طبیعت، مرگ و نوزایی انسان متجدد و جهان بینی نقطه آغازین حل بحران زیست محیطی است (Nasr, 2006, 11-246). این نقطه دگرگونی و نوزایی مجدد جهان بینی انسان می تواند آغازی برای بررسی دوباره ارتباط انسان با طبیعت و به تبع آن، نوع برخورد در معماری منظر باشد.

سؤال های تحقیق

سؤال ۱: رابطه انسان با طبیعت چیست؟

سؤال ۲: دیدگاه اسلام نسبت به طبیعت چیست؟

سؤال ۳: جایگاه طبیعت در معماری اسلامی کجاست؟

سؤال ۴: نقش باغ ایرانی در ارتباط با انسان چیست؟

اهداف تحقیق

شناخت طبیعت و اصول و قوانین حاکم بر آن و به کارگیری این اصول در فعالیت های انسانی و حضور روح طبیعت در معماری که به ارتقا و تجلی آن منجر می شود هدف اصلی این پژوهش است. و در این پژوهش ما به دنبال این هستیم که انسان از بسیاری جهات نیازمند طبیعت و عناصر طبیعی است، نیاز انسان به طبیعت به برداشت ها و استفاده های مادی و اقتصادی محدود نمی گردد و جنبه های مختلف کیفی «روانی و معنوی» حیات را نیز در بر می گیرد.

فرضیه

فراهم آوردن امکان تماس انسان با طبیعت از اهم ضروریات تداوم حیات انسانی است و جدایی انسان از طبیعت به بیگانه سازی او از جهان پیرامون منجر می شود. یکی از راهکارهای مهم طراحی چه در معماری و چه در سایر علوم و هنرها، الگو گرفتن از طبیعت بوده است.

روش تحقیق

در این پژوهش به منظور شناخت طبیعت و عناصر طبیعی و ارتباط مناسب انسان با آن، ابتدا با مطالعه قرآن کریم و تفاسیر صورت گرفته به تحلیل این موضوع پرداخته شده است. سپس سایر منابع عرفانی شامل نقل قول های عرفا و شاعران و صاحب نظران پیرامون این موضوع مورد تحلیل قرار گرفته است. در ادامه با استناد به شواهد کتابخانه ای نحوه باغ سازی ایرانی و ساماندهی آن با استفاده از آب و گیاهان مورد شناخت قرار گرفته است تا بدین گونه اهمیت موضوع از دیدگاه قرآن کریم، عارفان و شعرا و صاحب نظران مشخص و تأثیر آن در جنبه کارکردی و زیباشناختی باغ های ایرانی مورد بازبینی قرار گیرد.

تعریف طبیعت

لغت طبیعت (natura) از لغت ناتورا (nature) به معنای تولد است که از آن لغت ملت (nation) هموطن (native) مادرزادی (innate) نیز گرفته شده اند. طبیعت و ملت نه تنها دارای ریشه لاتین یکسانی هستند بلکه تاریخچه مشترکی هم دارند و همواره یکی از آن ها در حال توضیح دیگری بوده است. بسیاری از کشورها هویت ملی شدن را با فضای سبز موجود در کشورشان مشخص کرده اند (Macy & Bonnemaïson, 2003).

رابطه انسان با طبیعت از دیدگاه شریعت حضرت

علی (ع)

رابطه انسان با طبیعت را از دیدگاه اسلامی با برداشتی از حدیث مبارک حضرت علی (ع) پیگیری می نماییم. امام انسان را غیر از جسم، دارای چهار نفس (موجود زنده) دانسته اند یعنی نفوس گیاهی، حیوانی، تدبیرگر قدسی و ملکه روحانی، قوا و خواص مستقل خود هستند. در حدیث دیگری (که در واقع فرازی از خطبه اول نهج البلاغه است) حضرت رابطه خداوند را با پدیدارها و عناصر طبیعت، چنین بیان می فرماید «خداوند درون اشیاء است و با آن یکی نیست و بیرون از آن است و از آن جدا نیست». حکمای اسلامی برای مثال زدن و توضیح دادن رابطه انسان با تصویرش را در این مقوله مطرح می نمایند. از آنجا که خداوند در سوره انعام آیه ۲ یکبار خلقت انسان را به خاک نسبت می دهد (هو الذی خلقکم من طین) و در آیه ای دیگر خلقت انسان را به روح نسبت می دهد «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی» (Holy Quara, Hejr, Verse 29)؛ بنابراین برداشت ما این است که اولاً همچنان که حکمای اسلامی گفته اند، انسان به تنهایی جهان کوچک است؛ یعنی تمام مراتب وجود اعم از عوالم مادی، گیاهی، حیوانی، عقلانی و روحانی در خلقت او وجود دارند.

ثانیاً رابطه نفس روحانی انسان با سایر عناصر وجودی او می تواند به اذن الهی مانند حضرت حق با پدیدارها باشد، همچنان که در حدیث فوق مطرح شد، یعنی بعد روحی انسان در سایر نفوس و جسم او ظهور دارد. اما با آن ها یکی نیست و بیرون آن ها است. با نتیجه گیری از مقدمه فوق می توان گفت رابطه انسان با طبیعت در واقع رابطه بُعد روحی انسان با سایر ابعاد و عناصر وجودی خود است، یعنی رابطه انسان با عناصر طبیعت در واقع روند خود آگاهی انسان را تسهیل و سیر تکاملی انسان را ممکن می نماید.

بنابراین ادراک قوانین حاکم بر طبیعت، یعنی ادراک قوانین حاکم بر عناصر وجودی خود و احترام و آبادانی طبیعت، یعنی احترام به خود و آبادانی عناصر وجودی خود و بی توجهی و تخریب آن‌ها یعنی بی توجهی و تخریب وجود خود.

تعامل انسان با طبیعت از دیدگاه بزرگان

محققان ارتباط با طبیعت را در سه سطح تماشای مناظر طبیعی یا تصاویری از طبیعت، بودن در طبیعت و درگیری و تعامل با طبیعت تقسیم‌بندی می‌کنند و معتقدند قرارگیری در معرض طبیعت چه به صورت ارادی و آگاهانه و چه ناخودآگاه و غیرمستقیم منجر به بروز واکنش‌های مثبتی از سوی مؤثر می‌شود. اگرچه پایه و اساس ژنتیکی در هرگونه تمایل به واکنش مثبت به طبیعت و محیط‌های طبیعی امروزیکی از ضعف‌های پیش روی بشر است و نیازمند آموزش، فرهنگ‌سازی و تجربه مکرر محیط‌های طبیعی است. در سال‌های اخیر مطالعات زیادی در مورد تأثیرات محیط طبیعی بر انسان صورت گرفته که نشان می‌دهد نه تنها حضور در محیط‌های طبیعی بلکه تماشای صرف طبیعت یا حتی نگاه به تصاویر و فیلم‌هایی از مناظر طبیعی موجب کاهش استرس و خستگی چشم می‌شود. گروه دیگری از پژوهش‌ها نشان داده است دید به طبیعت، شنیدن اصواتی از طبیعت و داشتن هرگونه تجربه از طبیعت موجب کاهش تنش و استرس می‌شود.

ارتباط با طبیعت حس آرامش و آسودگی خاطر را برای کاربران فضا ایجاد می‌کند و افرادی که در محیط کار خود، از وجود گیاهان بهره می‌برند، پربازده‌تر، راحت‌تر، سالم‌تر و خلاق‌تر هستند و فشار و استرس کمتری را نسبت به کسانی که از این نعمت بی‌بهره‌اند، تحمل می‌کنند و فضای کار خود را از لحاظ زیبایی‌شناسی خوشایندتر ادراک می‌کنند آن‌ها به انجام کار خود مشتاق‌تر هستند، کمتر دچار ناکامی می‌شوند، پژوهش‌ها حتی به حضور مصالح طبیعی در کنار ارتباط مستقیم با طبیعت بر سلامت جسم و روح و افزایش سطح رضایت‌مندی و بازدهی افراد تأکید دارند.

تأثیرات طبیعت بر افراد با توجه به ویژگی‌های محیط‌های طبیعی مختلف، متفاوت است. پارک‌ها، باغ‌ها و سواحل رودخانه‌ها و دریا احساس شادی، سرگرمی، راحتی و گفتگو را القا می‌کنند. محیط‌هایی که از وجود مناظر آبی بهره می‌برند مکان‌های با اهمیت‌تری برای تفریح، سرگرمی،

معاشرت و فعالیت‌های اجتماعی هستند (Amani, 2014, 47).

تعامل انسان با طبیعت از دیدگاه معماری

طبیعت با همه زیبایی و جذابیت آن، دو محدودیت برای انسان فراهم می‌کند:

الف- محدودیت مادی: انسان نمی‌تواند همه شرایط را تحمل کند و ناچار به جدایی از طبیعت و رجوع به محیطی متفاوت است.

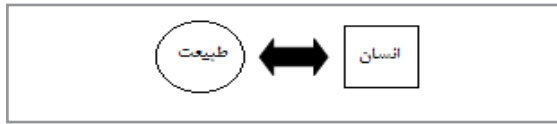
ب- محدودیت‌های نظری: بینش انسان درباره جایگاه طبیعت و نسبت آن با انسان، گاه آن را بالاتر یا پایین‌تر از سطح انسان تعریف می‌کند.

هر دو عامل سبب شکل‌گیری معماری و محیط‌هایی متفاوت در دل طبیعت می‌شود. گونه‌های گوناگون آب‌وهوایی ویژگی‌های معمارانه خاصی را پدید می‌آورند. این عامل یک معیار هویت‌بخش در معماری و باغ‌سازی جهان بوده است و این وجه را می‌توان لایه روبنایی و کالبدی هویت معماری دانست. عامل دوم پنهان است؛ چون علت تفاوت‌های کالبدی معماری‌های گوناگون در تفاوت نگاه آن‌ها به انسان، طبیعت جستجو می‌شود. این لایه را می‌توان لایه زیربنایی و مفهومی هویت معماری نامید (Noghrekar, 1999, 326).

روش‌های مختلف ارتباط با طبیعت از دیدگاه صاحب‌نظران

در مورد شیوه‌های گوناگون ارتباط با طبیعت در مکاتب معماری و باغ‌سازی دسته‌بندی‌های متفاوتی وجود دارد. گروترو دو مکتب نظری (شرقی و غربی) و سه مکتب باغ‌سازی (ژاپنی، فرانسوی و انگلیسی) را از هم تفکیک و ویژگی‌های هر یک را تشریح کرده است؛ ولی او اشاره‌ای به باغ‌سازی کهن و ریشه‌دار ایرانی با سابقه چند هزار ساله و متفاوت با هر سه مکتب خود نکرده است. مطالعات دقیق‌تر جواهریان به شکل بهتری ریشه ژاپنی باغ انگلیسی و ریشه ایرانی باغ فرانسوی را نشان داده است. به گفته جواهریان اساساً دو ابرالگوی باغ ایرانی و ژاپنی در طول تاریخ بوده که به دو صورت منظم و آزاد شکل یافته‌اند و با تغییر شکل‌هایی در مکاتب گوناگون به‌کار رفته‌اند.

جواهریان سخن درستی را در ریشه‌یابی مکاتب مطرح نموده است. اما برای دسته‌بندی وضعیت موجود مکاتب گوناگون به نظر می‌رسد نیاز به مطالعات گسترده‌تری



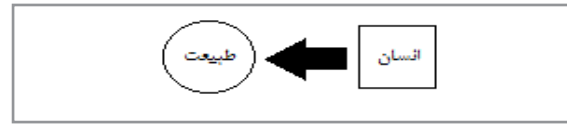
شکل ۲. ارتباط فراسامانه‌ای گسسته (مأخذ: Noghrekar, 1999, 327)

ت- ارتباط فراسامانه‌ای انسان، پایه هویت طبیعت: در این نگرش عظمت وجودی انسان چیزی فراتر از طبیعت است. در اینجا به جای آنکه انسان از طریق طبیعت تعریف شود و طبیعت‌گونه باشد؛ طبیعت است که به عنوان یک جزء ساختار انسان‌گونه دارد و هویت خود را از طریق انسان و خصوصاً انسان کامل کسب می‌کند. ارزش طبیعت در هماهنگی و هم‌سخنی آن با سرشت انسان است و به همین جهت می‌تواند به طور کامل در خدمت او قرار گیرد. بنیاد این بینش، معنوی است و هدف آن تأکید بر ساحت فراطبیعی وجود انسان است، جایی که طبیعت، دیگر انسان را اقماع نمی‌کند و انسان در آن به تنهایی و غربت می‌رسد. بنیاد انسانیت انسان در حوزه فراطبیعت است و کارکرد هنر مربوط به استعلای وجود انسان از ساحت طبیعت به عالم ماوراء است (شکل ۴). پس هنر انسان در تکمیل نارسایی و نقص معنایی طبیعت دارد (Noghrekar, 1999, 329).

ث- ارتباط فراگیر، خداوند، پایه هویت انسان و طبیعت: در این نگرش آنچه ریشه هم‌سنخی و مشابهت ذاتی بین انسان و طبیعت است، سرچشمه وجود یعنی خداوند است که ویژگی‌هایش پایه هویت همه هستی است. طبیعت مانند انسان ولی در سطحی بسیار نازل‌تر، جلوه‌گر صفات خدا همچون علم (خودآگاهی)، اراده (آزادی)، آفرینندگی، قدرت و... است. ریشه پایداری و ثبات قوانین و سنت‌های ذاتی طبیعت و انسان در طول هزاران سال گذشته و در عین حال دگرگونی‌های آن در همین سرشت الهی به کامل‌ترین شکل خود در انسان کامل ظاهر می‌شود و به همین جهت انسان کامل نقش مدیریت کننده و فراسامانه‌ای نسبت به کل سامانه هستی دارد (Noghrekar, 1999, 329) (شکل ۵).

همزیستی با طبیعت

نگرش به طبیعت به عنوان منشأ حیات و زندگی انسان، به عنوان موجودی هوشمند، به عنوان مجموعه از آیات و نشانه‌های قدرت و حکمت الهی و به عنوان مادر انسان امر بنیادینی است که تعالیم و حیانی اسلام به انحای مختلف به آن تذکر داده و حفاظت از آن را به زبان‌های گوناگون به انسان متذکر گردیده است. ضمن ارجاع مطالعه اهمیت طبیعت و عناصر طبیعی به منابع مربوط



شکل ۱. ارتباط غیرسامانه‌ای (مأخذ: Noghrekar, 1999, 327)

وجود دارد که بتواند هر دو دیدگاه را با هم جمع کند. مادر اینجا از نظریه سامانه‌ها یاری گرفته‌ایم.

در این نگرش می‌توان چهار نوع ارتباط بین انسان و طبیعت در نظر گرفت:

ارتباط سامانه‌ای گسسته یک‌سویه و مصرفی همچون ارتباط یک ماشین با طبیعت،

ارتباط سامانه‌ای گسسته همچون ارتباط اجزای یک ماشین،

ارتباط سامانه‌ای پیوسته همچون ارتباط اجزای طبیعت، ارتباط فراسامانه‌ای: همچون خلافت الهی انسان بر طبیعت و مدیریت هوشمند آن (Noghrekar, 1999, 328).

الف و ب- ارتباط غیرسامانه‌ای یا سامانه‌ای گسسته:

این ارتباط، مصرفی و یک‌سویه است و تنها به دنبال بهره‌کشی و سلطه بیشتر انسان بر طبیعت است. بسیاری از نظریه پردازان همچون گروتز تأکید دارند که دنیای امروز غرب ارتباط خود را با طبیعت به این‌گونه تنظیم کرده است و ریشه بحران طبیعت امروز جهان در همین نوع ارتباط است. راه حلی هم که در دوره‌های اخیر برای این بحران ارائه شده، ایجاد یک ارتباط دوسویه و ماشین‌وار است. این شعار معروف لوکوربوزیه «خانه ماشینی است برای زندگی» مصداق همین دیدگاه است (شکل 1-2).

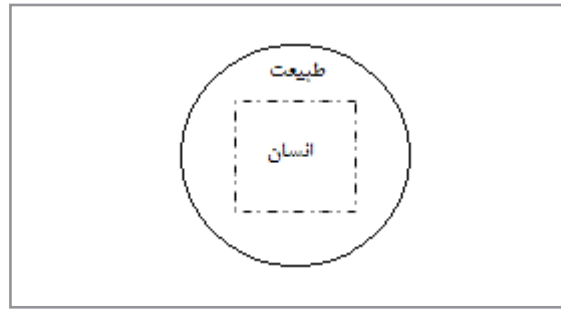
پ- ارتباط سامانه‌ای پیوسته (ارگانیک) طبیعت، پایه

هویت انسان: در این نگرش، طبیعت به عنوان یک سامانه‌ای کلان تعریف می‌شود که انسان هم جزئی از آن است و نیازمند به کسب هویت از طریق طبیعت است. راز پایداری این جزء، هماهنگی با کل است و انسانیت انسان در گرو فعال شدن و هماهنگ شدن او به عنوان یک جزء در کل طبیعت است. بنیاد این بینش، مادی است و تا آنجا که به مادیت انسان توجه دارد سخن درستی است. یکی از مشکلات تمدن معاصر فراموش کردن همین تعریف است که طبیعت را مادر انسان قلمداد می‌کند و احترام به حقوق طبیعت را لازم می‌داند (شکل ۳). کارکرد هنر در این دیدگاه تلطیف انسان و نزدیک کردن او به طبیعت است (Noghrekar, 1999, 329).



شکل ۵: ارتباط فراگیر (مأخذ: Noghrekar, 1999, 327)

علاوه بر نیاز انسان به تماس با طبیعت، هماهنگی محیط مصنوع و از جمله عمارت و مسکن (به عنوان مهم ترین و بیشترین اثر معماری مستحدثه توسط انسان در زمین) با طبیعت (محیط، سینما، مناظر، مصالح و زیبایی های طبیعی) ضرورتی انکارناپذیر است. در این مقوله، توجه به چند نکته اهمیت دارد. (1) اینکه این تماس باید در یک سلسله مراتب منطقی برقرار باشد. (2) عناصر طبیعی بسته به ارزشی که در برآورده نمودن نیازهای معنوی و روانی انسان، با توجه به معانی نمادینشان دارند، شناسایی و دسته بندی و به مردم یادآوری شوند و امکان تماس با آن ها را برقرار کنند. (3) به نقش عناصر طبیعی در جهت پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان نیز توجه شده و این نقش مهم به مردم معرفی شود. علاوه بر آن ملحوظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی ها نقشی بسیار مهم ایفا می نمایند و نکته ای مهم در این مقوله آن است که این به گونه ای طراحی شوند تا نیاز به تنظیم کننده های مصنوعی برای تنظیم شرایط محیطی به حداقل ممکن کاهش یابد. در این صورت است که نه تنها در بلندمدت فواید زیست محیطی و حتی صرفه های اقتصادی فراوانی برای جامعه خواهد داشت، بلکه در جهت خودکفایی و احراز هویت ملی نیز عمل خواهد کرد. نکته بعدی در خصوص بهره گیری از طبیعت عبارت است از شناسایی قوانین حاکم بر طبیعت و استفاده از آن ها در طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع. این موضوع به وظیفه مهم انسان به عنوان خلیفه الله رجوع داده می شود که در جهت حفظ امانت الهی باید اصول حاکم بر اعمالش را اصولی قرار دهد که در افعال و خلقت الهی مشاهده می شوند (Naghizadeh, 2005). با عنایت به تجارب جوامع بشری و فرهنگ اسلامی ایرانی، مناسب ترین شیوه برخورد انسان و طبیعت آن است که در عین حال که انسان را اشرف مخلوقات و ارجح بر جهان می داند که عالم را برای او مسخر قرار داده اند؛ به این مورد مهم نیز توجه داشته باشد که انسان در جهان زندگی



شکل ۳: ارتباط سامانه ای پیوسته (مأخذ: Noghrekar, 1999, 327)



شکل ۴: ارتباط فراسامانه ای (مأخذ: Noghrekar, 1999, 327)

(Department of Environment in 2001 and 1999) یکی از موارد زشت شمرده شده نابود کردن کشت است که در کنار نابود کردن نسل (انسان ها) به عنوان عامل فساد تلقی شده است. وجه دیگر توجه به طبیعت و احتراز از کوچک ترین خدشه به آن در مراسم حج است که شرکت کنندگان در این آیین الهی از آن منع شده اند و می توان از آن به عنوان نماد همزیستی با طبیعت یاد نمود. خلاصه این تعالیم الهی سرشار از سفارش های مؤکد نه تنها به حفظ که همزیستی و همراهی با عالم هستی است که امروزه پس از تخریب های فاجعه آمیزی که انسان به طبیعت وارد نموده است در تبیین اصول توسعه پایدار در پی جبران مافات، اصلاح شیوه برخورد با طبیعت و حفاظت از محیط زیست است (Naghizadeh, 2005). چنانچه از مباحث مربوط به تأکید تعالیم اسلام بر تفکر و تدبر و تعقل در طبیعت و عناصر طبیعی به عنوان آیات الهی می توان استنتاج کرد، توجه به طبیعت و عناصر طبیعی و ایجاد ارتباط مناسب انسان با آن ها یکی از اصلی ترین شرایط و ویژگی های مسکن مطلوب است. همچنین یکی از اصلی ترین ارتباطات انسان با عالم وجود، ارتباط او با طبیعت است (Naghizadeh, 2005). فراهم بودن این ارتباط که کثرت تأکید بر لزوم آن در تعالیم اسلامی و فرهنگ ایرانی، لزوم ورود به جزئیات آن را منتفی می نماید (Nahjolbalaghe, 2005) امر مهمی است که می تواند به عنوان یکی از معیارهای اصلی زندگی مطلوب تلقی شود.

می‌کند و حیات طیب او بستگی تامی به پاکی و سلامت جهان دارد؛ بنابراین در عین بهره‌گیری از جهان باید به شناسایی قوانین حاکم بر آن (سنن الهی) همت گماشته و اعمال خویش را با آن هماهنگ نماید. جامعه‌ای با این تفکر و این روش است که نه تنها به راحتی پذیرای آرای منطقی و انسانی ظاهراً جدید همچون توسعه پایدار است که به بالاتر از آن می‌اندیشد (Naghizadeh, 2006) و در صورت همت کردن؛ توانایی تکامل و غنا بخشیدن به آن و ارائه سهمی مهم در ارتقای دانش بشری دارد. در چنین جامعه‌ای نشان خروج از تعادل به چشم نمی‌خورد، و ارتباط انسان با عناصر طبیعی در فضاهای مختلف شهری برقرار است. ممکن است این موضوع مطرح شود که در گذشته ابزار و وسایل و امکانات تخریب‌کننده و آلوده‌کننده محیط وجود نداشت و به بیان دیگر همزیستی با طبیعت امری طبیعی و محتوم و ناگزیر بوده است. باید توجه کرد که عامل تخریب محیط تنها صنعت و ماشین و ابزار و ادوات نیستند، بلکه آنچه مهم و عامل اصلی تخریب و آلودگی محیط و طبیعت است، ویژگی‌های اخلاقی و عملی انسان است که با به کار بردن نامناسب ماشین و در جهت ارضای امیال خویش طبیعت را نابود می‌کند. این ماشین نیست که طبیعت را نابود می‌کند بلکه حرص و آز و طمع انسان است که طبیعت را تخریب می‌نماید. بوم‌آوردی معیاری است که علاوه بر تذکر و تقویت استقلال و عزت جامعه اسلامی نشانه‌ای از استفاده صحیح از هر چیزی است که در اختیار جامعه است. این معیار که به عنوان یکی از مبانی معماری ایرانی نیز معرفی شده است (Pirnia, 1990) امروزه به عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌ها و مبانی توسعه پایدار نیز مطرح است.

رابطه هندسه و طبیعت از دیدگاه معماری

هندسه اساس هنر و معماری ایرانی است، نگرش انتزاعی ایرانیان به خصوص بعد از اسلام به اندیشه، هنر و محیط انسانی پایه و اساس فهم مردم ایرانی از زیبایی و زیباشناسی تا ساختارها و شالوده‌ها را شامل می‌شود. تأثیر ساختاری هندسه از معماری ایرانی خود پهنه وسیعی از تعریف و شکل‌گیری فضایی تا مسائل نیایش و استاتیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیرگذاری در باغ ایرانی و با پیوند فضاهای بسته و باز طی سلسله مراتبی در تمامی عرصه‌ها به چشم می‌خورد. در باغ گذشته از شکل‌گیری هندسی فضاها شاهد آنیم که فضاهای باز و عرصه‌های طبیعی نیز به نظم درآمد و با هندسه قوام می‌گیرد (Alimradanlo et al, 2010, 46-55). هندسه نقش مهمی در شکل‌گیری معماری ایرانی دارد؛ هندسه وسیله پیوند

معماری ایران با رازهای نظام آفرینش است و همین پیوند نظام معماری و نظام آفرینش است که معماری ایرانی را این چنین تعالی بخشیده است (Daneshdost, 1995, 4-45).

درباره به‌کارگیری هندسه در معماری، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است. برای نمونه افشار نادری می‌نویسد «فضای معماری بر اساس نوعی هندسه ساده و پیچیده شکل می‌گیرد و در هر حال از محیط طبیعی بسیار ساده‌تر است و انسان در طول تاریخ سلطه‌اش را بر طبیعت از طریق هندسی کردن آن اعمال کرده است» (Afshar Naderi, 1999, 6). همچنین می‌نویسد «هندسه اساساً عنصر متحد‌کننده جزء و کل است. مطلق است و تغییرناپذیر و انسان را با منطق آفرینش با نجوم، طبیعت و آسمان آشنا می‌سازد» (Afshar Naderi, 1995, 72). درباره بهره‌گیری از هندسه در هنر اسلامی کریچلو می‌نویسد «معماری کاملاً هندسی مسجد با ابعاد خارق‌العاده‌اش همان‌گونه در بافت پیچ در پیچ و ارگانیک شهرها جای می‌گیرد که نظم هندسی نقوش قالب درون مجموعه‌ای از طرح‌های ارگانیک (گل و بوته) است. رویارویی با هندسه طبیعت در عصر مدرن و پست مدرن چندان دور از انتظار نیست. اما برخی با ارجمند شمردن تضاد، معماری سنتی را در عرصه تضاد با طبیعت جای می‌دهند. مکاتب مختلف بر اساس تعریف و دیدی که نسبت به طبیعت دارند روی به‌گونه‌ای هندسه می‌آورند. برخی به هماهنگی با هندسه طبیعت می‌گیرند و آن را بنیاد معماری خود می‌کنند و بیشتر معماری‌هایی پیچیده و مبهم به‌عنوان معماری طبیعی ارائه می‌کنند و برخی برخلاف هندسه طبیعت هندسه‌ای منظم و متقارن و شبکه‌ای ایجاد می‌کنند. برای روشن‌تر شدن بحث دیدگاه‌های گوناگونی را که به چگونگی ارتباط هندسه معماری با هندسه طبیعت توجه کرده‌اند بررسی می‌کنیم. این دیدگاه‌ها را می‌توان در سه دسته ارزیابی کرد: الگوبرداری، رویارویی، هماهنگی و تکمیل (Khakznd et al, 2007, 35-47).

الگوبرداری

این گرایش اگرچه پیشینه‌ای کهن در هنر واقع‌گرا (رئالیستی) و طبیعت‌گر (ناتورالیستی) دارد، اما به‌گونه ویژه در عرصه معماری در دورویکرد کلی به‌ویژه در سده بیستم نمودار شد.

الف- گرایش به پیچیدگی هندسه طبیعت: یکی از دیدگاه‌های تازه در هنر معاصر که ریشه در ریاضیات آشوب و بی‌نظمی دارد، دیدگاه فراکتال است. این دیدگاه نخست

شاخه‌ای از ریاضیات محض بود که به مطالعه وجوه پیچیده طبیعت می‌پرداخت و مشخص نشد که چگونه در میان هنرمندان جذابیت پیدا کرد و سراز معماری و شهرسازی درآورد. این دیدگاه در پی الگوبرداری هندسه از برخی اشکال پیچیده طبیعت و زیبا دانستن آن است. این الگوبرداری می‌تواند از مسیر حرکت یک حشره در فضا تا خط ساحلی یک دریا و یا امتداد یک رودخانه و... باشد. هندسه فراکتال یکی از وجوه هندسه‌ای است که در طبیعت موجود است و نه در کل آن. واژه «فراکتال» از کلمه لاتین «فراکتوس» به معنی سنگی که به شکل طبیعی و نامنظم شکسته و خرد شده برگرفته شده است.

نباید هندسه فراکتال را با هندسه اندام وار (ارگانیک) یکی دانست و همچون برخی، بافت شهرهای کهن را شهر فراکتال شمرد، بلکه می‌توان آن‌ها را شبه‌ارگانیک نامید. به گفته اسلامی در هندسه فراکتال، تنها معیار همگونی کل با جزء است. ولی در رشد ارگانیک اگرچه اجزاء فعالند و رشد می‌کنند، ولی همواره یک کل مهارکننده و متعالی‌کننده وجود دارد. در نظام ارگانیک منطق، تنها ریاضی نیست، بلکه منطق حکمی برقرار است و اجزاء در یک رشد هوشمند هر لحظه خود را با کل مجموعه تطابق می‌دهند. هندسه فراکتال یکی از سه وجوه طبیعت است که بدان دست یافته شده و آن را نمی‌توان به گونه‌ای فروکاهنده تنها گونه هندسه موجود در طبیعت شمرد. افزون بر آن، هندسه در معماری شایستگی یا ناشایستگی خود را در نسبتی که با انسان‌های مخاطب و نیازهای گوناگون آن‌ها در هر مورد برقرار می‌کند به دست می‌آورد و نه به گونه مستقل و خودبنیاد (Noghrekar, 1999, 219).

ب- الگوبرداری از تناسبات هندسی طبیعت: از زمان‌های کهن برخی نظریه‌پردازان هنری، طبیعت را دارای ساختار متعالی و قابل مطالعه هندسی و منظم‌شدنی می‌پنداشتند. این هنرمندان با مطالعه همه اجزای طبیعت و خصوصاً بدن انسان سعی می‌کردند تا اصول و تناسبات زیبایی‌شناسانه آن را که معمولاً بر پایه تناسبات زرین هستند، استخراج کنند و هنر و معماری خود را بر اساس همان تناسبات بسازند.

در این دیدگاه، مبانی نظری هنر و معماری، انسان‌شناسی و طبیعت‌شناسی است. اما انسان و طبیعت در ساختار و کالبد آن خلاصه می‌شود و تنها به مطالعه هندسه و تناسبات ریاضی آن پرداخته می‌شود.

در روزگار کنونی لوکوربوزیه کتاب‌هایی به نام مدولار نوشت. راب کریر عیب نظام لوکوربوزیه را تأکید زیاد از حد

آن بر نسبت‌های طلایی می‌داند (Noghrekar, 1999, 122).

- رویارویی

رویارویی با هندسه طبیعت در عصر مدرن و پست مدرن چندان دور از انتظار نیست. اما برخی با ارجمند شمردن تضاد، معماری سنتی را در جایگاه تضاد با طبیعت برمی‌شمردند. افشار نادری در این زمینه می‌گوید «تولیدات معماری به طور خاص، خصوصاً در گذشته که رفتار انسان به فطرتش نزدیک تر بود، تضاد با طبیعت را نشان می‌دهد». البته او تذکر می‌دهد که «تضاد، مثلاً تضاد رنگ چیزی جدای از طبیعت نیست، و به لحاظ زیبایی‌شناسی، ارزش هر عنصر ادراکی در مقابل متضادش به نمایش درمی‌آید. تضاد باعث افزایش ارزش می‌شود» (Afshar Naderi, 2000, 6).

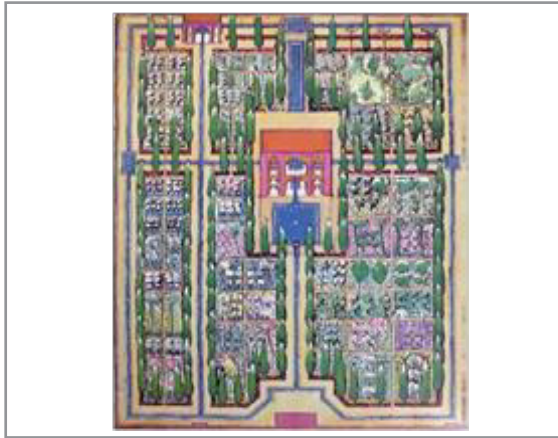
- هماهنگی و تکمیل

غالب معماران سنت‌گرا معماری را در هماهنگی و مکمل طبیعت می‌شمردند. ندیمی در این باره می‌گوید «طبیعت محسوس و هندسه پنهان و شگفت‌انگیز آن که رمزگشای صورت مثالی است، منبع الهام معمار مسلمان است. وی با شهود این رمزها و برگرفتن آن با عمق جان و پرگشودن در فضای خیال، نقش پرداز حقیقت می‌گردد. الهام معمار سالک از طبیعت و نقش پنهان آن است که هندسه وجدانی خود را از پس تکثرات و تنوعاتش پیش چشمان شهود وی قرار می‌دهد» (Nadim, 1999, 379). با مشاهده این روستا می‌توان زندگی انسان در کنار طبیعت و هماهنگی انسان با محیط را در آن به وضوح مشاهده کرد (شکل ۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد ارتباط انسان با طبیعت می‌توان به این نتیجه دست یافت که انسان از جنبه‌های مادی و معنوی به طبیعت و عناصر طبیعی و همچنین برخورداری از تماس نزدیک و مداوم با طبیعت نیازمند است.

خانه‌ها، مدارس، مساجد و کاروانسراها و عمارات عمومی و خصوصی دارای حیاطی بودند که به تناسب وسعت و عملکرد خویش آب و گیاه و نور طبیعی و جریان هوا و حیوانات را در خویش داشتند و به این ترتیب هر کدام پذیرای استفاده‌کنندگان خویش بودند. این فضاها ارتباط انسان با طبیعت (آسمان و ماه و ستاره و خورشید)



شکل ۷. وجود سلسله مراتب، وحدت و همبستگی در مجموعه باغ ایرانی؛ تلفیق و تداخل هنرمندانه فضاهای بسته و باز با همدیگر (مأخذ: Pirnia, 1994)



شکل ۶. روستای ماسوله، هماهنگی انسان با محیط (مأخذ: نگارندگان)

هدف از باغ سازی

ممکن است اهداف متفاوتی برای ایجاد باغ وجود داشته باشد. مانند باغی که پیرامون قصری را شکل داده است و یا باغی که برگرد آرامگاهی ایجاد شده باشد و یا باغی که برای استفاده همگانی طراحی و ساخته شده باشد، ولی همواره یکی از اهداف کلی باغ وصول همنشینی با طبیعت است که به صورت کشتی در نهاد انسان ها وجود دارد. زندگی شهرنشینی انسان را از طبیعت جدا می کند، باغ سازی دعوتی است از طبیعت به درون شهر و جامعه، منتها در این حرکت طبیعت در رابطه با خواسته انسان ها و فرهنگ آن ها به گونه های مختلف به نظم کشیده می شود و به صورتی در می آید که نه طبیعت کامل است و نه معماری تنها بلکه حاصل کار کنار آمدن هریک از عناصر تشکیل دهنده باغ است با عناصر دیگر (Daneshdost, 1990, 214-224).

باغ ایرانی در بستر اسلام ایرانی

باغ ایرانی از ترکیب ساده و موزون، رابطه صحیح و استوار، سلسله مراتب حساب شده، منطق عقلایی، نظام هندسی مشخص، آسه بندی منظم، خطوط عمود بر هم، تخت کت های چهارضلعی، تقسیمات متعادل، گذرگاه های مستقیم هدفدار که به گاه نیاز با گشادگی فضایی می آمیزند، شبکه مترنم جهت دار آب که در فضاهای باز و پوشیده وسعت یافته و به چهره آسمان و آسمانه لبخند شادمانه می زند، تشکیل یافته است (Abolghasem, 1992) (شکل ۷).

باغ ایرانی پدیده ای فرهنگی، تاریخی، کالبدی در سرزمین ایران است و معمولاً به صورت محدوده ای محصور که در آن گیاه، آب و ابنیه در نظام معماری مشخصی با هم

را نیز برقرار می کردند. وقتی سخن از طبیعت به میان می آید، شاید اولین و تنها کلمه ای که در اذهان نقش می بندد، واژه باغ ایرانی است که به رغم تحقیقات بسیار در مورد آن، چنانچه انتظار می رود از جایگاه مناسبی در طراحی های منظر برخوردار نبوده است. انسان ایرانی بر اساس امکانات و محدودیت های محیط پیرامونش، نبود باغ را به عنوان فقدان در طبیعت ایرانی بدان اضافه کرده و درک خویش را از معنای بهشت و عالم مثالی به صورت نمادین در آن آزاد کرده است.

باغ از روزگار دیرین در فرهنگ و تمدن ایرانی اهمیت و جایگاه مهمی داشته و یکی از مفاهیم بنیادین مباحث اجتماعی، فرهنگی و طبیعی این سرزمین به شمار می رفته است که امروزه نیز به صورت های مختلف در ادبیات، معماری و شهرسازی ایرانیان حضور دارد. در نهایت می توان گفت باغ ایرانی را باید به عنوان رابطه حکیمانه انسان و طبیعت دانست. از این رو باغ ایرانی را می توان به عنوان محیطی انسان ساخت که فهم انسان را از محیط نمایان، تکمیل و نمادینه می کند و معانی را گرد هم می آورد در نظر بگیریم. بنابراین در اینجا ما نگاهی گذارا به باغ ایرانی و هندسه باغ و عناصر تشکیل دهنده آن می اندازیم.

باغ سازی چیست؟

«باغ سازی هنر ترکیب عناصر معماری، عناصر گیاهی و نمایش آب است با یکدیگر، به گونه ای که نتیجه کار با توجه به شرایط اقلیمی، پاسخگوی انتظاراتها و آرزوهای مردم فرهنگی خاص باشد در مورد باغ».



شکل ۹. باغ شاهزاده ماهان. جزیره‌ای آباد در میان بیابان که قرن نوزدهم ساخته شده است (مأخذ: Khonsari et al., 2004, 18).

و موزاییک‌های رنگارنگی را که در آینه حوض‌های آرام انعکاس یافته‌اند، برجسته است (Hrdg, 1997) (شکل ۸).

محیط باغ ایرانی به‌طور هم‌زمان به همه حواس پنجگانه انسان می‌پردازد، هم به تجربه مستقیم انسان درمی‌آید و هم به‌طور هم‌زمان باشنده در باغ را به سطحی انتزاعی و نمادین از مفاهیم و معانی هدایت می‌کند. اما در حقیقت این خود انسان است که در شکل دادن به محیط مساعد و مطلوب، دخالت دارد. در واقع طبیعت بکر بر اساس تکرار قانون طبیعت شکل می‌گیرد اما محیط باغ بر اساس «خواست» انسان انتظام می‌یابد و «خواست» رویدادی تاریخی، متغیر، هدفمند و قابل کنترل است. خواست به مثابه اداره آگاه با هدف دگرگون کردن محیط نامساعد در ایجاد باغ، متکی به قدرت و تصمیم، مهارت، دانش و پاک‌ی روان سازندگانش است که به‌طور هدفمند و تابع وضعیت طبیعی عمل می‌کند (Mir Findiriski, 2004, 10). پس نظام تمرکز حواس در باغ نیز هم برخاسته از خاصیت عناصر طبیعی و مصنوع درون باغ است و هم منتج از «خواست»، طراح و سازنده باغ.

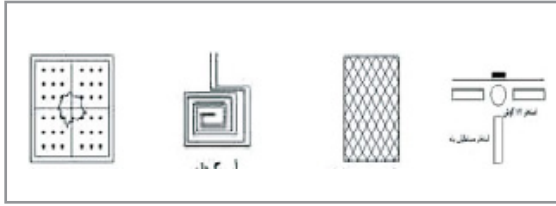
معماری و باغ‌سازی دوران اسلامی

انسان همواره برای زندگی در میان طبیعت از معماری به‌عنوان یک ابزار بهره‌جسته است. به تجربه مشاهده شده هرگاه انسان از ابزاری برای غلبه بر طبیعت استفاده می‌کند، آن ابزار بر ضد خود او سربرافراشته و او را تا مرحله نابودی به مخاطره انداخته است. مردم و معماران از زمان‌های دور، بعضاً با رویکردهایی درست به طبیعت احترام گذاشته و آن را مورد مذاقه قرار داده‌اند. متأسفانه امروزه، محیط طبیعی را به‌صورت انواعی از ساختارها



شکل ۸. باغ فین کاشان. حوضچه مقسم آب تداعی‌کننده حرکت آب در چهار جهت (مأخذ: Shahcheraghi, 2009).

تلفیق می‌شوند و محیطی مطلوب، ایمن و آسوده برای انسان به وجود می‌آورد، ساخته می‌شود. در دائره‌المعارف اسلامی در توضیح واژه باغ آمده «محوطه‌ای غالباً محصور، ساخته انسان با بهره‌گیری از گل و گیاه و درخت و آب و بناهای ویژه که بر قواعد هندسی و باورها مبتنی است» (The Great Islamic Encyclopedias). باغ در مقام برخوردارگاه آدمیان و اندیشه‌هاشان و به‌عنوان میعادگاه زمین و آسمان و نقطه تلاقی عملکرد و پندار، بهترین جای تجربه عرفانی است (Samie Azar, 2007). در باغ ایرانی نظام معماری باغ، انتظام‌دهنده، نظام‌های کارکردی، کالبدی (آب، کاشت، استقرار ابنیه) و نظام‌های معنایی است. همچنین نظام منظر، نظام سایه و نظام آواها، منتج از کیفیت تلفیق و آمیختگی نظام‌های کالبدی یاد شده بوده و مختص باغ ایرانی است. اغلب پژوهشگران تأکید می‌کنند «در باغ ایرانی نهایت مادی به بی‌نهایت معنوی ارتقا می‌یابد باغ تا آنجا که ممکن است ساده و روشن شکل می‌گیرد و ابهامی «مادی» در رابطه انسان و فضا باقی نمی‌گذارد» (Mir Findiriski, 2004, 10). در واقع چنین بیان می‌شود که «باغ ایرانی میان‌کنش میان شکل و سطح است و فضایی پاک، غرق آرامش و خالی از هر تنش و [محیطی] تفکرانگیز پدید می‌آورد» (Ardalan & Bakhtiar, 2004) و می‌توان گفت که کیفیت آرامش، آسایش و «محلی برای غور، اندیشه»، تفکر، تأمل و «تخیل خلاق»، به‌وسیله عدد، هندسه، رنگ و ماده یعنی عناصر کالبدی به حیطه حواس انسانی درآمده است. چرا که تمامی این کیفیات در «فرآیند استنباط ذهنیات از عینیات قرار می‌گیرد و زمینه درک و فهم باغ ایرانی فراهم می‌شود» (Mir Findiriski, 2004, 10). باغ ایرانی هم تجربه‌ای جسمانی و هم تجربه‌ای روحانی است. در آن رایحه گیاهان شاداب، نوای آب و پرندگان، بافت کاشی صاف و زمین مرطوب و مزه میوه‌های آفتاب‌پرورده، منظره گل‌ها



مانند یاقوت بین احجار» (Navai, 2009, 141). در این روایت در میان بخش‌های مختلف طبیعت بین سنگ که ساختاری غیربلورین و غیرمنظم و به همین جهت غیرشفاف دارد با یاقوت که ساختاری بلورین، منظم و شفاف دارد فرق گذاشته شده است. انسان کامل ساختار درونی وجود خود را همچون بلور یاقوت منظم ساخته و به همین جهت به شفافیت رسیده و نور الهی را از خود عبور می‌دهد؛ و معماری اسلامی نیز در میان ساختار ارگانیک شهر حالتی بلورین و منظم همچون یاقوت به خود می‌گیرد و نماد انسان کامل را با نظم یافتن در خود متجلی می‌کند (Nasr, 1996, 46-44). نصر اشاره می‌کند که «تحقیقات جدید از سوی تنی چند از محققان که به مدد میکروسکوپ‌های الکترونیکی و تکنیک‌های امروزی انجام گرفته است، شباهت‌های خیره‌کننده بین نقش‌های هندسی اسلامی و ساختار درونی و نظم مولکولی موجودات جاندار و بی‌جان را نشان داده است. اما هیچ‌گاه معمار سنتی به سبک فیزیک و ریاضی امروز، ماده طبیعت را مورد بررسی قرار نمی‌داد تا شکل منظم آن را استخراج و ارائه کند. بلکه این مسئله پیامد شهود جهان مثالی توسط اهل بصیرت و ژرفاندیشانی بود که به صنعتگران آموختند که چگونه نقش بزنند. کایت کریچلاو به عنوان یکی از برجسته‌ترین پژوهندگان باختری در معماری اسلامی و ارتباط آن با ریاضیات و هندسه ثابت کرده که بعضی از الگوهای پیچیده هنر اسلامی به ساختمان درونی مواد طبیعی که تازگی‌ها شناخته شده شبیه است. وی گفت چنین می‌نماید که مسلمانان توانسته باشند بدون شکافتن مولکول‌ها اتم‌ها از ساختمان درونی ماده آگاهی پیدا کنند. توصیف نصر در مورد رویکرد خاص طبیعت معماری قابل توجه است. به نظر او «امروزه بسیار سخن از آن می‌رود که معماری را به صورتی درآورند که چشم‌انداز ساخته‌های بشری با طبیعت هماهنگ باشد. روستاها و شهرها در جهان اسلام همچون تمدن‌های سنتی دیگر مدت‌ها پیش این هدف را تأمین کرده بوده‌اند. شهر اسلامی در عین آنکه ساخت دست بشر است، از طبیعت جدا مانده و پیوسته توانسته است تعادل خود را با محیط طبیعی و نیروهای طبیعی و عناصری همچون آب، خاک، هوا و نور که زندگی آدمیزاد وابسته به آن‌ها است محفوظ نگاه دارد. معماری اسلامی

می‌بینیم که در نگاه اول به نظر می‌رسد اشتراک زیادی با هم ندارند (Khakznd et al, 2007, 35-47). آنچه که سبب شده برخی معماری اسلامی را ناشی از تضاد با طبیعت توصیف کنند، چیزی نیست جز همین جنبه تکمیل طبیعت. افشار نادری با ارجمند شمردن رویارویی، معماری سنتی را در عرصه تضاد با طبیعت جای می‌دهد و می‌گوید «تولیدات معماری به طور خاص، خصوصاً در گذشته که رفتار انسان به فطرتش نزدیک‌تر بود، تضاد با طبیعت را نشان می‌دهد. زیگورات‌های بین‌النهرین، کوه‌های مصنوعی در سرزمین‌اند که کاملاً مسطح است. به همین صورت مناره‌های شهرهای مرکزی ایران خطوط افقی کویر را به مضاف می‌خوانند. رنگ‌های درخشان و غلیظ کاشی‌ها، فرش‌ها و لباس‌های بومی مردم این مناطق تلاش برای جبران کمبود رنگ محیط است (Afshar Naderi, 2000, 6). البته او تذکر می‌دهد که «تضاد، مثلاً تضاد رنگ چیزی جدای از طبیعت نیست، و به لحاظ زیبایی‌شناسی ارزش هر عنصر ادراکی در مقابل متضادش به نمایش درمی‌آید (شکل ۹). تضاد باعث افزایش ارزش می‌شود».

او اساساً هندسه را عامل سلطه بر طبیعت در دنیای گذشته معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد در اینجا بین مفهوم تضاد و تکمیل اشتباهی رخ داده است. بیشتر معماران سنت‌گرا در این جایگاه قرار دارند. ندیمی در این باره می‌گوید «طبیعت محسوس و هندسه پنهان و شگفت‌انگیز آن که رمزگشای صورت مثالی است، منبع الهام معمار مسلمان است. وی با شهود این رموزها و برگرفتن آن با عمق جان و پرگشودن در فضای خیال، نقش‌پرداز حقیقت می‌گردد. الهام معمار سالک از طبیعت، الهام از نقش پنهان آن است که هندسه وجدانی خود را از پس تکثرات و تنوع‌اتش پیش چشمان شهودی قرار می‌دهد» (Nadimi, 1999, 379).

در این گفته به الهام از طبیعت و نگرش شهودی به آن و استفاده از نقش پنهان آن اشاره شده که نکته‌ای بس ظریف است. بنیاد این اقتباس طبیعی عدم توقف در ظاهر طبیعت و درک نظام پنهان آن است. همان که بسیاری از معماران سنت پژوه همچون اردلان و یا حکمت‌آشنایانی همچون نصر و غیره به آن تأکید کرده‌اند. نوایی و حاج‌قاسمی در همین رابطه با اشاره به حدیث معروف حضرت علی (ع) بحث زیبایی را مطرح کرده‌اند:

«در حدیثی منسوب به حضرت علی (ع) آمده است که «محمد بشر لا کالبشر بل هو کالیاقوت بین الحجر. محمد (ص) بشر است. لکن نه مانند بشرهای دیگر، بلکه



شکل ۱۱. باغ فین کاشان. کاشت درختان خزان پذیر و همیشه سبز در کنار یکدیگر (مأخذ: Khansari, 1998)

هرگز با مبارزه با طبیعت و بی‌اعتنایی نسبت به آن همراه نبوده است. معماران سنتی مسلمان برخلاف بسیاری از مسلمانان در جهان معاصر اسلامی هرگز نمی‌کوشیدند تا پنجره‌های بزرگ شیشه‌ای بسازند که هرچه بیشتر تشعشع خورشید و حرارت آن را وارد ساختمان کند و آنگاه ناچار از آن باشند که از انرژی فراوان خارجی برای سرد کردن خانه‌های خود بهره‌گیرند. خانه و مسجد و خیابان و بازار و همه اجزای دیگر زندگی شهر چنان طرح‌ریزی می‌شد که از عواملی که طبیعت در اختیار آدمی گذاشته است به حداکثر میزان بهره‌برداری شود. دانش آدمی برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از عوامل موجود طبیعی برای ایجاد یک معماری که در عین حال هم زیبا و هم کارآمد است و هم اصول اسلام را منعکس می‌کند و در عین حال با طبیعت در حالت هماهنگی است، مورد استفاده قرار گرفته است (Nasr, 1987, 34).

ارتباط انسان و طبیعت از دیدگاه جهان بینی اسلامی با حفظ حقوق طبیعت، انسان را در مرتبه بالاتری نسبت به طبیعت دانسته و از بیان استحاله در طبیعت آنچنان که در دیدگاه غیراسلامی مطرح است، اجتناب می‌کند.

عناصر تشکیل دهنده یک باغ ایرانی

به طور کلی یک باغ با ترکیب عوامل زیر شکل می‌گیرد (شکل ۱۰):

۱- زمین: زمین باید از لحاظ جنس خاک، قابلیت نفوذ آب و حاصلخیزی مورد بررسی و توجه قرار گرفته باشد.

۲- آب: یکی از مشخصه‌های مهم باغ ایرانی، تمایل زیاد به نمایش آب بود.

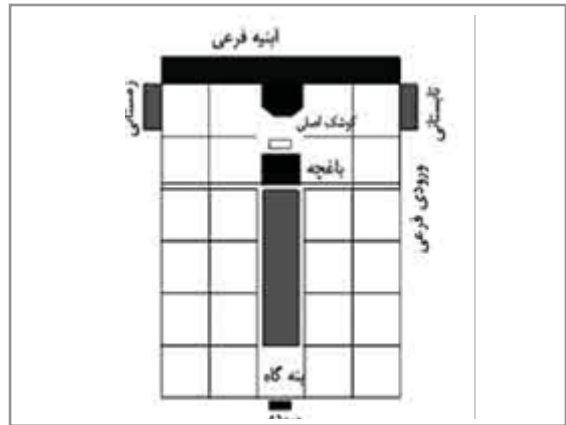
چون آب معمولاً خیلی کم و بسیار عزیز بود. معمار باغ‌ساز بازی‌های غریبی با آن می‌کرد. آب مورد نیاز باغ باید افزون بر کفایت از خاصیت استمرار و دائمی بودن برخوردار باشد. برای جاری شدن آب از جای جای باغ در باغ ایرانی آب را به درون زمین برده و از مکان‌های خاص به بیرون جاری می‌کرده‌اند و حرکت آن در چهار جهت و چهار جوی، تمثیلی از چهار نهر بهشتی است که در باغ ایرانی به‌کار گرفته شده است (Diba, 1997).

۳- گیاهان: انواع گیاهان تجلی طبیعت‌اند در باغ که در رابطه با سلیقه و خواست انسان و شرایط اقلیمی به نظم کشیده شده‌اند. در میان کرت باغ ایرانی معمولاً گیاهانی می‌کاشتند که زیاد بلند نشوند و همیشه سبز و زیبا باشند. اما در دو خیابان دو طرف میان کرت یا آبنا، دالان سرپوشیده‌ای از درختان می‌ساختند. و در کاشی‌کاری و قالی‌بافی از این الگو استفاده می‌شده است (شکل ۱۱).

۴- معماری: معماری عامل شکل‌دهنده باغ است، در رابطه و نحوه تفکر انسان که شامل بناهای موجود باغ، نقشه باغ، محوطه‌سازی، پله‌ها، آب‌نماها، جوی‌ها و فواره‌ها و عناصر تزئینی معماری است که در باغ از آن‌ها استفاده می‌شود مانند نیمکت‌ها، گلدان‌ها و ...

۵- پدیده‌های فرعی: این پدیده‌ها نتیجه وجود و یا کاربرد عناصر به‌کار رفته در باغ هستند مانند صدای آب، بوی گل و یا عواملی هستند طبیعی و در نتیجه احداث باغ و سرسبزی آن به باغ جلب می‌شوند مانند پرندگان زیبا که صدای چهچهه آن‌ها بر غنا و زیبایی باغ می‌افزاید. در نتیجه دو عامل صدا و بوی گل‌ها را می‌توان به عناصر سازنده باغ افزود (Daneshdost, 1990, 214-224).

در میان عناصر موجود در طبیعت، آب و گیاه از اهمیت بیشتری نسبت به بقیه برخوردارند و همواره سایر عناصر طبیعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، ترکیب هوشمندانه آب و گیاه در فضا سازی باغ‌های ایرانی نشان می‌دهد که هر سه رویکرد مفهومی، کارکردی و زیباشناختی به خوبی در آن رعایت شده و در واقع رمز پایداری باغ‌های ایرانی تبلور این سه مفهوم در مجموعه واحد باغ است. در واقع چنانچه در طراحی محیط زیست جایگاه این دو عنصر به درستی انتخاب شود، محیطی پایدار و کارآمد حاصل می‌گردد. از این رو در طراحی طبیعت و ساماندهی عناصر آن باید به سه رویکرد مذکور توجه ویژه مبذول داشت (Zamani et al., 2009, 25-38).



شکل ۱۲. هندسه باغ ایرانی (مأخذ: Pirnia, 1994)

هندسه باغ ایرانی

به‌کارگیری فرم‌های طبیعی در معماری، نشان‌گر انسان به آثار خلقت و تأثیرات آن است. از سوی دیگر فرم‌های طبیعت در گذشته از نقش مؤثرشان چه در زمینه عملکردی و چه در باب زیبایی، مورد احترام و تقدس فرهنگ‌ها و اقوام ملل مختلف برخوردار بوده‌اند. به‌عنوان مثال حیوانات و پرندگان در کشورهای مختلف و در آیین‌های و جوامع گوناگون بنا به گذشته فرهنگی آن‌ها، هریک تقدسی خاص داشته‌اند (Khakznd et al., 2007, 35-47).

در معماری ایرانی به‌ویژه منظر ایرانی توجه به جهات اصلی و جهت آسمان همواره مورد توجه بوده است. به‌طوری که هانری کربن نیز در مقدمه کتاب اصفهان، تصویر یک بهشت با تأکید بر این نکته، حوض آب را کد در حیاط مسجد را بازتابی از این اندیشه می‌داند (Carbon, 1998). در دیدگاه اسلامی هر فضای متعین که مختصات معلومی دارد مکان انسان قرار گرفته است، انسان (عالم صغیر) دربردارنده هر آن چیزی است که عالم کبیر را می‌سازد و همین مختصات است که به تمام مکان‌های زندگی فرد مسلمان تعیین می‌بخشد. عبادات او رو به جهتی خاص است، رو به قبله، خانه می‌سازد و شهرسازی می‌کند و در صورتی که بخواهد فضای بهشتی را به زمین آورد، هندسه را به‌کار می‌برد که مهمترین عناصر آن نماینده جهات اصلی هستند و به سبب همین جهت‌دهی به مکانی محصور است که باغ ایرانی فضایی متعین و دارای روح مکان می‌شود. علاوه بر هندسه کلی و جهات اصلی تأثیرگذار بر هندسه باغ ایرانی، در اجزای باغ ایرانی نیز توجه خاصی به شکل‌های هندسی شده است و شکل مربع که فاصله بین اجزای باغ را ساده و روشن نشان می‌داد، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. به

وقت کاشتن درخت، نخستین‌گام، دقت در تعیین فاصله محل کاشت از هر طرف بود و بدین ترتیب مربع‌هایی شکل می‌گرفت که از هر طرف که نگاه می‌کردند، ردیف درختان را می‌دیدند. به‌طور خلاصه در هندسه باغ ایرانی دو اصل مهم بود: سه کشیدگی کنار هم و تقسیم باغ به مربع‌هایی که خود دارای تقسیماتی منظم و مربع‌شکل بودند (شکل ۱۲). سابقه این اصول به خیلی قبل و به هزاران سال قبل بازمی‌گردد. در کشاورزی ما هم کاشت مربعی معمول بوده و زمین و آب به صورت مربعی تقسیم می‌شده است (Pirnia, 1994, 4-9).

یک اصل مهم در باغ‌سازی ایرانی باز بودن چشم‌انداز اصلی به شکل مستطیل کشیده بود. در این باغ‌ها، در مقابل بنا، فضای باز و کشیده‌ای بود که درست در چشم‌انداز اصلی واقع می‌شد. در این فضا درختان بلند می‌نشانند (Shahcheraghi, 2009, 21-62).

از مطالب فوق این‌گونه برمی‌آید که در معماری ایرانی به‌ویژه در باغ‌سازی، شکل‌گیری فضا بر اساس تنوع‌های هندسی غنی و محکمی است که به‌همراه خود سلسله‌مراتبی را می‌آفریند که لازمه محرمیت ایرانی و آرامشی است که نتیجه آن قرب الی‌الله است.

علت‌های شکل‌گیری باغ‌های ایرانی

۱. دلایل مذهبی

وجود معابد در بلندترین نقطه باغ و تسلط بر طبیعت آن نشان‌دهنده اهمیت نقش مذهب در پیدایش باغ‌های اولیه بوده است.

تقدس فرم‌های چهاربخشی به دوران ماقبل هخامنشی بازمی‌گردد، اما در این زمان و به‌خصوص از زمان ساسانیان نقشه باغ ایرانی به‌صورت چهارباغ طراحی می‌شود. وجود عناصر چهاربخشی چون چهارطاقی آتش «آتشکده» و عنصر چهارباغ که از اهمیت چهار جهت اربعه و چهار عنصر مقدس زرتشتیان و چهار نهر بهشتی آن حکایت دارد نقش مذهبی این باغ‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد. در دوران اسلامی نیز این نقشه تداوم یافته و نگاه قرآنی آن تصویر بهشت در زمین بوده که خداوند در قرآن به مردم نیکوکار وعده داده است. بشر مسلمان بر آن است تا این بهشت را به‌گونه‌ای هرچه شبیه‌تر و والاتر برای بندگان سعادت‌خواه به نمایش بگذارد. از این رواج‌های تشکیل‌دهنده این بهشت‌ها مفهوم مقدس پیدا می‌کند و نمایش آن‌ها جنبه استعاره‌ای می‌یابد (Kamrava, 2005, 347-358).

شاهچراغی از سوی دیگر ضمن تحقیق در واژه «باغ» مشخص می‌سازد که باغ در حقیقت نامیدن مکانی است مقدس، مکانی است که بخشایش ایزدی در آن به باشندگان عطا می‌شود (Shahcheraghi, 2009, 94). بنابراین تقدس لغوی باغ نقش مذهبی باغ‌ها را متذکر می‌گردد. اسامی برخی باغ‌های دوران اسلامی همچون جنت، بهشت برین، خلد برین، مینو، رضوان، هشت بهشت و بهشت نیز حاکی از مذهبی بودن علت ساخت آن‌ها است.

۲. باغ مکانی جهت تفریح و تفرج

ساخت محلی سرسبز و با نهرهای روان و درختان زیبا جهت آسایش و پناه بردن در دامن طبیعت یکی از مهم‌ترین اهداف استقرار باغ‌ها است. نام این باغ‌ها را می‌توان باغ‌های فرح بخش نامید. در شاه‌عباس در این منطقه هنوز باقی است (Nyma, 2006, 256). عنوان فضایی خاص اشراف و سلاطین بوده که در ذیل ضمن رویکردی تاریخی به علل مختلف استقرار و انواع آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱.۲. باغ‌های تابستانی

در طول تاریخ مهم‌ترین باغ‌های تفریحی باغ‌هایی هستند که در فصول گرم در کوهستان و یا مکان‌های خوش آب و هوای خارج از شهرها ساخته شده و معمولاً متمولین در آن‌ها به تفریح و تفرج می‌پرداختند. بنابراین دستور ساخت این‌گونه باغ‌ها بی‌شک به علت لذت بردن از هوای خنک و فضای دلپذیر باغ بوده است. همان‌گونه که مشخص است علت تفریح و پناه بردن به دامن طبیعت خارج از شهر همیشه برای ایرانیان بسیار اهمیت داشته و بسیاری از باغ‌های رسمی نیز چنین ساخته شده‌اند. ویلبر می‌نویسد «در ناحیه شمال تهران پادشاهان و شاهزادگان قاجار در فصل تابستان از گرمای تهران به سایه درختان و آب روان و شب‌های خنک کوهستان پناه می‌برند» (Motadayen, 2010, 51-62).

۲.۲. باغ‌های شکار

در اکثر مواقع ایجاد باغ‌ها رسمی جهت تفریح و لذت به مفهوم عام برای طبقه اشراف وجود داشته است که در آن بتوانند در پرتو هوای مطلوب و لذت بخش اوقات فراغت خود را سپری نمایند ویلبر می‌نویسد «هر قدر باغ زیباتر و درختان آن بیشتر سایه‌گستر باشد عده زیادتری بلبل به سوی آن روی آورند و برای ایرانیان لذتی بالاتر از این نیست که در مهتاب در باغ گردش کنند و آوای بلبل

را بشنوند». بنابراین بی‌دلیل نیست که بسیار از باغ‌ها، باغ بلبل یا گلستان نامیده شده‌اند شاید بتوان چنین باغ‌هایی را باغ خلوت نامید که تفاوت آن‌ها با بخش حرم باغ‌های معمولی در عملکرد آن‌ها قلمداد می‌شود (Motadayen, 2010, 51-62).

۳. حکومتی ایجاد باغ‌های تاریخی

در بسیاری از مواقع ایجاد باغ صرفاً به دستور حکومتی صورت می‌گرفته که از باغ‌های کامل به شمار می‌آیند. می‌توان اظهار داشت که باغ‌های حکومتی غالباً جزئی از یک مجموعه حکومتی بودند. ایجاد فضاهای حکومتی تشریفاتی از دیگر سو ساخت این باغ‌ها را به اوج شکوه و عظمت می‌رسانند (Shahcheraghi, 2009, 94).

بحث و نتایج

نتایج حاصل بیانگر آن است که باغ ایرانی نظامی حکیمانه و کمال‌گرا دارد که عناصر طبیعی را به نحوی در خود جای داده که نیازهای فیزیکی استفاده‌کنندگان را برآورده می‌سازد و در همان حال نیز به بعد ماوراءالطبیعه و معنوی آن توجه شده است. همین مسئله باعث بقا و تداوم آن در طول زمان و شاخص شدن آن به صورت مجموعه‌ای واحد شده است. به کمک بازشناخت این ساختار می‌توان در ساختن محیط زیستی مناسب و هماهنگ با نظم موجود، بهره‌برداری لازم را به عمل آورد. باغ ایرانی دارای ارزش‌های قابل توجهی است که با به‌کارگیری قابلیت‌های عناصر طبیعی همچون درخت و آب و ساختاری همچون هندسه، به روح مکانی دست پیدا کرده است که به‌رغم تکرار، در قرون متمادی رنگ نیاخته و همچنان به صورت فضایی باکیفیت که می‌تواند برای نسل‌های متمادی نیز ادامه داشته باشد، حضور یافته است. حضور باغ ایرانی به واسطه بازگشت به خود طبیعی عناصر به‌کاررفته در آن است و معماری منظر ایرانی، تمام تلاش خود را برای به‌حضور رساندن حداکثر قابلیت اجزای آن به‌کار بسته است. باغ ایرانی اوج کمال مادی برای تجلی اعتقادی و معنوی جهان بینی اسلامی است. باغ ایرانی با پیشینه بسیار طولانی که به بیش از ۲۵۰۰ سال می‌رسد در دوره اسلامی در مکتب اصفهان به تکامل مادی و معنوی می‌رسد و کاملاً به نمادسازی از بهشت برین می‌پردازد. انسان مسلمان ایرانی به دنبال شبیه‌سازی یا ایجاد بهشتی زمینی نبوده است و بر اساس جهان بینی خود این عالم را فانی دانسته و به عالمی باقی معتقد بوده است. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دریافت، طبیعت درس‌های طراحی بسیار ارزشمندی به

- Amani, Samaneh (2014) "Architecture along side nature," MANZAR, (44-47) (24).
- Ardalan, Nader and Bakhtiar, Laleh (2004) Sense of unity (mystical tradition of Iranian architecture), introduction of Seyyed Hossein Nasr, Translated by Hamid Shahrukh, Khak Publication, Tehran.
- Bell, Simon (2007) Landscape pattern of perception and process, translated by Aminzadeh, Publication of Tehran University, Tehran.
- Carbon, Hans (1998) Hidden paradise Isfahan, translated by Jamshid Arjomand, Rozafzun publication, Tehran.
- Daneshdost, Yaghoub (1990) "Iranian Garden," Journal of Asar, 224-214, 19 & 18.
- Daneshdost, Yaghoub (1995) "Iranian Architecture Iranian expert opinion speak four generations of architects," Abadi Journal, (45-4) (19).
- Darab, Diba and Ansari, Mojtaba (1997) "Iranian garden," Proceedings of Congress Architectural History the Citadel of Bam Iran - Kerman, Publication organizations Cultural Heritage, Tehran.
- Darab, Diba and Ansari, Mojtaba (2002) Iranian Garden, Volume V, 425- 358. Department of Environment (2001 and 1999).
- Eliade, M. and Adams, Ch. (1987) The Encyclopedia of Religion, Macmillan, UK, Hobhouse, P., Hunningher, E., Harpur, J., 2004, "Gardens of Persia" Kales.
- Hrdg, Claus (1997) The structure forms in Islamic architecture in Iran and Turkistan, translated by Consulting Engineers Research and Sponsors, Publication canvases Translated by, Mohammad Taghi Zadeh absolute, Organized by: Mohammad Reza N., printing.
- Kamrava, Mohammad Ali (2005) "Idealistic in Iranian architecture," The Proceedings

ما می‌دهد. البته این بدان معنی نیست که ماسعی کنیم شکل و صورت الگوهای طبیعی را عیناً تکرار کنیم، بلکه به جای صورت ظاهری که دیده می‌شود، به دنبال معنا باشیم و اصولی را که متضمن رشد، تکامل و زندگی موجودات در محیط است را جستجو نماییم. بی‌شک برداشت‌های فرم‌گرایانه و ظاهری از طبیعت به یک معماری پوچ و بی‌هویت خواهد انجامید و حضور روح طبیعت در معماری است که به ارتقا و تجلی آن منتهی می‌شود.

شناخت راز و رمزهای رابطه انسان با طبیعت را می‌توان از طریق شناسایی فرهنگ اصیل ایرانی و محیط زیست ایرانی امکان پذیر کرد. باغ ایرانی با در نظر گرفتن نیاز انسان در تمام ابعاد فیزیکی و متافیزیکی در صدد برآوردن حواصیل او است تا «این پیوند فرخنده، سودمند و زیبا» را به وجود آورد و در این راستا از مجموعه بنیادهایی استفاده می‌نماید. این بنیادها هرچند ممکن است در صورت خود در طول تاریخ باغ ایرانی دچار تغییراتی شده باشند، لیکن از لحاظ محتوا همواره تداوم داشته‌اند و می‌توانند به عنوان مجموعه شاخص‌هایی مورد استفاده معماران منظر قرار گیرند. سید حسین نصر در کتاب خود به نام انسان و طبیعت می‌گوید «برای حصول به صلح و آرامش با طبیعت، ابتدا به صلح و آشتی با نظم روحانی و معنوی (عالم) نیاز است. برای صلح و آشتی با زمین، ابتدا باید با آسمان آشتی کرد... برای اصلاح این وضع (تخریب ارزش قدسی و معنوی طبیعت)، معرفت متافیزیکی طبیعت باید از نواحیا شده و ماهیت قدسی طبیعت دوباره بدان بازگردانده شود».

فهرست منابع

- The Holy Quran.
- Afshar Naderi, Kamran (1995) "Syntagmatic of opposites in Iranian architecture," Abadi Journal, (19).
- Afshar Naderi, Kamran (1999) Creativity, Architect magazine, (7).
- Afshar Naderi, Kamran (2000) "Characteristic of Iranian architecture," Journal of Architecture and Culture, (6) (6).
- Alimradanlo, Sara; Ansari, Mojtaba and Almasifar, Nina (2010) "A hierarchy of access Shazdeh Garden," Book of the Month Art, (55-46) (142).

- Nasr, Seyyed Hassan (1987) *Science in Islam*, Translated by Ahmad Aram, Soroush publication, Tehran.
- Nasr, Seyyed Hassan (1996) *Art and Spirituality*, translated by Rahim Ghasemian, publication Howzeh Honari, Tehran.
- Navai, Kambiz & Ghasemi, Haji (2009) *Clay and imagination*, Beheshti University Press, Tehran.
- Noghrekar, Abdulhamid (1999) *Introduction to Islamic identity in architecture*, ministry of Housing and Urban Development, the office of architecture and urban design, publication of Sima payam, Tehran.
- Norberg, Shultz., Christine (2009) *Apparition the place: the of phenomenology architecture*, translated by Mohammad Shirazi, New arose, Tehran.
- Nyma, G., (2006) *Iran's Garden*, Payam, Tehran.
- Pirnia, Mohammad Karim (1990) *Iranian architectural style*, Institute Islamic Art Publishing.
- Pirnia, Mohammad Karim (1994) "Iranian gardens," *Journal of Abadi*, (9-4 (15.
- Samie Azar, Alireza (2007) *Ancient wisdom, new perspective*, Museum of Contemporary Art, Tehran.
- Shahcheraghi, Azadeh (2009) *Paradigms of Paradise*, published by the University Jihad, Tehran.
- Shahcheraghi, Azadeh (2009) "Analysis of Iranian garden on the process of perception of Psychology theory ecologist," *Journal of hoviast shahr*, 62 -51 (5) ,3.
- The Great Islamic Encyclopedia.
- Zamani, Lillian and Amirkhani Arian Mohammad Reza (2009) "To recognize and analyze the position of the elements in the Iranian garden with an emphasis on the principles of religious ritual," *Journal of Bagh Nazar*, Year VI, (38- 25 (11.
- of Congress of Architectural History and urbanism, Vol, I, 358 -374.
- Khakznd, Mehdi and Amir Ahmed, Ahmad (2007) "A Glimpse of the approach between nature and architecture," *Journal of Bagh Zazar*,(47- 35 (8.
- Latif, Abolghasem (1992) *Iranian Garden*, Publication of parks and green spaces, Tehran.
- Macy, C. & Bonnemaïso, S. (2003) *Architecture and Nature*, published by Routledge Press, Alexander, USA.
- Mir Findiriski, Mohammad Amin (2004) "Iran's Garden? Drkjast Persian garden?," *Proceedings of the the First Conference on of Iranian gardens*, Cultural Heritage & Tourism organizations of Iran.
- Motadayen, Heshmatollah (2010) "The historical causes of the emersion of the garden," *Journal of Bagh Zazar*, Vol, VII(62-51 (15.
- Nadim Hadi (1999) *Truth role*, *Proceedings of the Second Congress of the Citadel of Bam*, publication cultural heritage, Tehran.
- Naghizadeh, Mohammad(2005) *Artifice Foundations of Islamic culture*, Islamic culture Publication, Tehran.
- Naghizadeh, Mohammad (2005) *Position nature of Iranian culture and urbanism*, Tehran: Islamic Azad University Science and Research Branch Press.
- Naghizadeh, Mohammad (2006) *Architecture and Urban Development (theoretical Foundations)*, Isfahan: Rahyan Publication.
- Nahjolbalaghe, Imam Ali (2005) *Nahjolbalaghe*, Translated by Abdullah Dashti, Quds Publication.
- Nasr, Hasan (2006) *Religion and the order of nature*, translated by Ansha'a. Rahmati, Ney Publication, Tehran.